

خلیج فارس بین استراتژی ایندو - پاسیفیک ایالات متحده و ابتکار کمر بند - راه چین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
قدرت الله بهبودی نژاد^۱

درجه مقاله: علمی - ترویجی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

^۱. دکتری مطالعات بین‌الملل از دانشگاه جواهر لعل نهرو mohsenjnu@gmail.com

چکیده

در این نوشتار تلاش شده است تا با استفاده از روشی تحلیلی-تبیینی به این پرسش پاسخ داده شود که جایگاه خلیج فارس در بازی بزرگ بین دو استراتژی ایندو-پاسیفیک آمریکا و ابتکار کمربند و جاده چین چیست؟ فرضیه تحقیق این است که تلاش‌های آمریکا و چین برای ترسیم نظم منطقه‌ای جدید که در قالب دو استراتژی ایندو-پاسیفیک و کمربند-راه متجلی شده است، زیرمنطقه خلیج فارس را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در نتیجه، کشورهای حوزه خلیج فارس که از چتر امنیتی آمریکا برای توسعه روابط تجاری با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله چین و هند استفاده کرده‌اند، در صورت تشدید رقابت بین این دو استراتژی و ایجاد کمشکش، چیزهای زیادی برای به دست آوردن یا باختن دارند. یافته‌های تحقیق هم‌چنین نشان می‌دهد که این معضل کشورهای حاشیه خلیج فارس را به بازی با حاصل جمع صفر تشویق می‌کند و باعث تشدید توازن قوا می‌شود که پیامدهای منفی بر امنیت منطقه‌ای دارد.

• واژگان کلیدی

خلیج فارس، ابتکار کمربند-راه، استراتژی ایندو - پاسیفیک، ایران، کواد.

هم‌زمان با انتقال مراکز ثقل سیاست، اقتصاد و امنیت بین‌الملل از حوزه آتلانتیک - مدیترانه به حوزه اقیانوس‌های هند و آرام، اصطلاح «ایندو- پاسیفیک»^۱ در توصیف این تحول در ادبیات روابط بین‌الملل رایج شده است. به نظر می‌رسد این تغییر اصطلاحات عمدتاً پاسخی از طرف آمریکا به نفوذ روزافزون چین در سراسر اوراسیا و اقیانوس هند، با هدف گسترش ابتکار کمربند راه باشد. رویکرد ایالات متحده به ایندو-پاسیفیک بیانگر تلاشی برای محدود کردن دستاوردهای چین است. خلیج فارس اگرچه به‌طور فزاینده‌ای با منافع چین در آن جا‌گره خورده است ولی در نظم لیبرال به رهبری آمریکا تعبیه شده است و منطقه‌ای است که می‌تواند تحت تأثیر رقابت چین و آمریکا آن هم در شرایطی که نظم منطقه‌ای در حال تغییر است، قرار گیرد. این تلاقی تنش‌ها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بین دوا بر قدرت بر فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی خلیج فارس تأثیر می‌گذارد.

به منظور درک این‌که چگونه رقابت ژئواستراتژیک در حوزه ایندو-پاسیفیک بر فضای سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه خلیج فارس تأثیر می‌گذارد، لازم است که به مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده تغییر اشاره شود. از جمله اولین و مهم‌ترین عوامل تغییر می‌توان به ظهور چین به‌عنوان تهدید اصلی در مجموعه‌ای از برنامه‌های استراتژیکی ایالات متحده برای نظم آسیا مانند: «چرخش به آسیا»^۲، «توازن دوباره در آسیا»^۳؛ تا آن‌چه در حال حاضر "استراتژی ایندو-پاسیفیک"^۴ نامیده می‌شود، اشاره داشت.

استراتژی ایندو-پاسیفیک در دولت دونالد ترامپ مورد توجه زیادی قرار گرفت و با تغییر نام فرماندهی اقیانوس آرام ایالات متحده به فرماندهی هند و اقیانوس آرام^۵، وارد مرحله نوینی شد که اکنون نمایانگر رویکرد رسمی ایالات متحده در آسیا است. استراتژی ایندو-پاسیفیک دولت بایدن (۲۰۲۲) حاکی از آن است که این منطقه در آینده اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد. دیگر دولت‌ها و سازمان‌های منطقه نیز در سال‌های اخیر مفهوم ایندو-پاسیفیک را پذیرفته‌اند.

چنان‌چه رویکرد ایالات متحده به استراتژی ایندو-پاسیفیک به‌عنوان ابزاری برای ایجاد توازن در برابر چین شکل بگیرد، دولت‌ها و مناطق سراسر اقیانوس هند می‌توانند انتظار مجموعه جدیدی از چالش‌های سیاسی بین‌الملل داشته باشند؛ زیرا دیدگاه‌های واگرایانه نظم آسیایی منجر به رقابت

1. Indo-Pacific

2. Pivot to Asia

3. Rebalance to Asia

4. Indo-Pacific Strategy

5. US Indo Pacific Command

ایالات متحده و چین می‌شود و دامنه این رقابت‌ها به‌طور اجتناب‌ناپذیری به منطقه خلیج فارس نیز کشیده خواهد شد. به‌طور خلاصه، قدرت رو به‌رشد چین در ایندو-پاسیفیک و واکنش ایالات متحده به آن، چالشی ایجاد خواهد کرد که دامنه امواج آن در منطقه خلیج فارس نیز احساس خواهد شد. بنابراین از یک‌سو تنش‌های دیرینه در منطقه کماکان ادامه خواهد داشت و از سوی دیگر، نگرانی از تداوم تعهد ایالات متحده برای حفظ وضعیت موجود، نظم‌شکننده خلیج فارس را تهدید می‌کند.

شیخ‌نشین‌های خلیج فارس شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در حالی که از یک‌سو هرکدام عمیقاً در حوزه تحت‌محافظة امنیتی ایالات متحده قرار دارند اما از دیگر سو، به‌طور فزاینده‌ای با طیف گسترده‌ای از قدرت‌های خارج از منطقه از جمله چین، در ابعاد وسیعی از مسائل اقتصادی و استراتژیک درگیر می‌شوند. ایران به‌عنوان یک قدرت ناراضی از حضور قدرت‌های غربی در خلیج فارس تلاش دارد که روابط نزدیک‌تری با چین دنبال کند. ایران یک کشور کلیدی بالقوه در ابتکار «کمربند-راه»^۱ چین است و ضمن این که با هند نیز همکاری نزدیکی دارد. اگرچه پکن در ظاهر هیچ نشانه‌ای از جاه‌طلبی برای به‌چالش کشیدن قدرت نظامی آمریکا در خلیج فارس بیان نکرده است اما منافع منطقه‌ای در حال رشد همراه با جاه‌طلبی‌های پروژه کمربند-راه، این واقعیت را نشان می‌دهد که ثبات خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس به یک نگرانی استراتژیک تبدیل شده است. با شدت گرفتن نفوذ چین در خلیج فارس، احتمال افزایش رقابت استراتژی ایندو-پاسیفیک ایالات متحده با ابتکار چینی کمربند-راه در منطقه نیز در حال افزایش است.

این پژوهش نحوه تأثیرگذاری این دو استراتژی رقابتی در میان این دو قدرت بزرگ در منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام و تأثیرات آن بر منطقه خلیج فارس را بررسی می‌کند و این پرسش گسترده‌تر را مطرح می‌کند که چگونه توازن قوا در میان این دو ابرقدرت تغییر می‌کند و این تغییر برای منطقه خلیج فارس به چه معنا می‌باشد.

چارچوب نظری

در سال‌های اخیر، یک ادبیات وسیع و گسترده‌ای در زمینه چارچوب‌های نظری برای تجزیه و تحلیل انتقال از نظم تک‌قطبی تحت‌هدایت ایالات متحده به سمت چندقطبی ارائه شده است (Stuenkel, 2020:59). این نظریه‌ها، با فرض مشترکی که قدرت‌های غیرغربی در حال نفوذ هستند و

^۱. Belt & Road Initiative

در میان آن‌ها چین آماده تبدیل شدن به یک قدرت جهانی است، بینش مهمی در مورد شکل احتمالی نظم بین‌المللی در آینده ارائه می‌دهند. فرضیات واقع‌گرایانه در مورد افزایش قدرت در نظم بین‌المللی حاکی از پیش‌بینی تغییرات سیستمی در آینده را دارد. جنگ کلاسیک و تغییر در سیاست جهانی با این فرض آغاز شد که آن دسته از بازیگرانی که از تغییر در سیستم اجتماعی بیشترین سود را می‌برند و قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر چنین تغییری را پیدا می‌کنند، سعی می‌کنند سیستم را در جهت منافع خود تغییر دهند. سیستم تغییر یافته منعکس‌کننده توزیع جدید قدرت و منافع اعضای جدید مسلط آن خواهد بود. محققان واقع‌گرا در مورد روابط ایالات متحده و چین، یک رابطه رقابتی با احتمال بالای درگیری را پیش‌بینی می‌کنند؛ زیرا ایالات متحده تلاش می‌کند موقعیت ممتاز خود را در سیستم بین‌المللی حفظ کند و چین به دنبال آن هست که سهم بیشتری را برای خود ترسیم نماید (Miller, 2015: 267).

به نظر می‌رسد که نظریه ثبات هژمونیک تحلیل رفتارهای چین و ایالات متحده را در چارچوب گسترده‌تر واقع‌گرایی بهتر روشن می‌سازد. نظریه ثبات هژمونیک پیشنهاد می‌کند که اگر یک دولت مسلط وجود داشته باشد که ثبات را در سیستم تضمین کند، صلح در نظام بین‌الملل برقرار می‌شود. نظام سیاسی بین‌المللی آنارشیک است و هیچ قدرت برتری وجود ندارد که بتواند دیگر کشورها را از تجاوز باز دارد. در این راستا هر کشوری برای بقای خود نیاز به افزایش قدرت خود دارد. توزیع قدرت باعث ایجاد دوراهی در بین دولت‌های موجود در سیستم آنارشیک می‌شود.

چهار عنصر نظریه ثبات هژمونیک عبارتند از:

۱. یک نظام سیاسی قدرتمند و باثبات جزء ضروری هژمونی است (Mearsheimer, 2001a: 31). چین دارای سیستم تک حزبی سوسیالیستی و از نظر سیاسی با ثبات است. این سیستم پایدار و مولد، چین را به کشوری قدرتمند در منطقه تبدیل کرده است.
۲. قدرت نظامی دومین مؤلفه مهم هژمونی است. چین در حال تبدیل شدن به یک قدرت نظامی در حال ظهور و به سرعت در حال رشد است. کار در اتحادها یکی از ویژگی‌های مهم یک هژمون است (Cox, 1997a: 131).
۳. یک اقتصاد قدرتمند نقش حیاتی در ایجاد هژمونی ایفا می‌کند (Mearshimer, 2001b: 33). چین دومین اقتصاد بزرگ پس از ایالات متحده است. کشورهای منطقه به شدت به نفوذ و همکاری اقتصادی چین وابسته هستند.

۴. "اراده" برای رهبری جهان و پذیرش آن توسط کشورهای دیگر، چهارمین عنصر ضروری برای هژمون است (Cox, 1997b: 134). پس از جنگ جهانی اول، امپراتوری بریتانیا توانست نقش هژمون را ایفا کند اما بعدها به دلیل اقتصاد و ارتش ضعیف، نتوانست جهان را رهبری کند و پس از جنگ جهانی دوم جای خود را به آمریکا داد. هژمونی مخفی نمی‌ماند. اکثر دولت‌ها باید قدرت هژمون را بپذیرند. فقدان هژمون منجر به جنگ جهانی دوم شد.

یک هژمون قهری معمولاً در چارچوب تهاجمی عمل می‌کند. مهم‌ترین چیز برای یک هژمون تضمین نظم در جهان است. ساختار آنارشیک جهان دارای سه ویژگی تعریف شده است. یکی از آن‌ها این است که هیچ مقام عالی که بتواند سایر کشورها را در برابر متجاوزان محافظت کند، وجود ندارد. دوم، میل به قدرت‌طلبی به هر کشوری کمک می‌کند تا برخی از قابلیت‌های نظامی را داشته باشد که عمدتاً ماهیت تهاجمی دارند. سوم، غیرقابل پیش‌بینی بودن یک دولت نسبت به سایر دولت‌هاست. یک دولت هرگز نمی‌تواند در مورد نیات دولت‌های دیگر مطمئن باشد و این ترس را هرگز نمی‌تواند از بین ببرد. به این ترتیب، هر دولتی برای بقای خود بخشی از مسابقه تسلیحاتی علیه دولت قدرتمند همسایه می‌شود. این وضعیت معضل امنیتی را به وجود می‌آورد. قدرت‌های بزرگ دلیلی برای مبارزه با یکدیگر ندارند اما عدم اطمینان در مورد بقا، آن‌ها را مجبور می‌کند که به دنبال قدرت باشند.

^۱ مرشایمر می‌پذیرد که همه دولت‌ها در نظام آنارشیک بین‌المللی در پی بقا هستند، اما این بازیگران را هژمونی طلب می‌داند. از منظر مرشایمر، ویژگی هر سیستم آنارشیکی نامنی مزمن و ترس است و دولت‌ها به‌عنوان بازیگران عقلانی در چنین سیستمی در پی حداکثرسازی قدرت خود و نیل به موقعیت هژمون بر می‌آیند. از منظر وی هژمون دولتی است که به قدری قدرتمند می‌باشد که بر تمام دولت‌های دیگر سیستم تسلط دارد. او سپس طیفی از استراتژی‌هایی را که دولت‌ها برای تثبیت موازنه مطلوب خود یا جلوگیری از تثبیت موازنه مضر به حال خود اتخاذ می‌کنند، بر می‌شمارد (Mearsheimer, 2001c: 135).

با توجه به این ادبیات، چین که یک قدرت روبه‌رشد و هژمون منطقه‌ای است، توانایی‌های لازم را برای عمل به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای دارد. ایالات متحده هژمون موجود جهانی و چین یک

^۱. جان جوزف مرشایمر استاد دانشگاه شیکاگو و محقق روابط بین‌الملل آمریکایی است که به مکتب فکری واقع‌گرا تعلق دارد. او بیشتر برای توسعه نظریه واقع‌گرای تهاجمی شناخته می‌شود که تعامل بین قدرت‌های بزرگ را عمدتاً ناشی از میل منطقی برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای در یک نظام بین‌المللی آنارشیک توصیف می‌کند. مرشایمر معتقد است که قدرت رو به رشد چین احتمالاً آن را در تضاد با ایالات متحده قرار خواهد داد.

². Mearsheimer

هژمون نوظهور است. ایالات متحده هژمونی خود را در منطقه شرق آسیا تثبیت کرده است و به‌سختی فرصتی را به چین در سیاست منطقه می‌دهد. ایالات متحده دو سیاست متفاوت با مضمون یکسان را برای مهار چین در هند و آرام آغاز کرده است. استراتژی آسیا محوری توسط اوباما و اکنون سیاست ایندو-پاسیفیک، هدفی جز مهار چین برای تضمین هژمونی ایالات متحده در جهان ندارند.

استراتژی ایندو-پاسیفیک که رهبران پکن آن را وسیله‌ای برای جلوگیری از رسیدن چین به یک قدرت بزرگ تصور می‌کنند، پاسخ قاطعانه این کشور را برانگیخته و باعث یک‌سری پیش‌بینی‌ها برای آینده نظم بین‌المللی شده است. این تفسیر از مسیر آینده سیاست بین‌الملل پیامدهای عمیقی برای منطقه خلیج فارس خواهد داشت.

استراتژی ایندو-پاسیفیک

هدف استراتژی-ایندوپاسیفیک همان‌طور که در حال حاضر در ایالات متحده ترویج می‌شود، مقابله با نفوذ چین است، خصوصاً این که چین از طریق کمربند-راه برنامه‌های گسترده خود را پیش می‌برد. نوک اصلی استراتژی ایندو-پاسیفیک سازوکار گفت‌وگوی امنیتی چهارگانه موسوم به کواد^۱ است. در حالی که کارل هاوسفر جغرافیادان آلمانی اولین بار در دهه‌ی ۱۹۲۰ از اصطلاح ایندو-پاسیفیک استفاده کرد، سابقه کاربرد این اصطلاح به ابداع این سخنرانی نخست وزیر ژاپن آبه شینزو^۲ در سال ۲۰۰۷ در پارلمان هند بر می‌گردد که در مورد مشارکت استراتژیک در آسیای گسترده‌تر بحث می‌کرد و از نظر وی، یک شبکه عظیم شامل کل اقیانوس آرام، ایالات متحده، استرالیا و اقیانوس هند را در بر می‌گیرد. مفهوم ایندو-پاسیفیک بیانگر تغییر و تحولات استراتژیک بازگشت رقابت قدرت‌های بزرگ در سطح نظام بین‌الملل و ظهور بازیگران منطقه‌ای است که در یک منطقه جغرافیایی مهم در حال وقوع است و سمت‌وسوی آینده بسیاری از تحولات استراتژیک جهانی را رقم خواهد زد. هم‌چنین مفهوم «ایندو-پاسیفیک» به رسمیت شناختن این موضوع است که اقیانوس هند و اقیانوس آرام صحنه ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده قرن بیست‌ویکم است و نه تنها محل سریع‌ترین رشد اقتصادی و رقابت قدرت‌های بزرگ است بلکه هم‌چنین مملو از اختلافات زمینی و دریایی است که به مدیریت دقیق برای حفظ ثبات نیاز دارد. با افزایش اهمیت استراتژیک ایندو-پاسیفیک، قدرت‌های بزرگ در حال گسترش سیاست‌های جدید برای تقویت دسترسی خود به این منطقه هستند (Pant & Milford, 2021: 3).

¹. Quadrilateral Security Dialogue

². Prime Minister Abe

استراتژی مقابله‌جویانه پکن در مقابل استراتژی ایندو- پاسیفیک، راه‌اندازی ابتکار کمربند-راه^۱ است که از آن به‌عنوان مهم‌ترین و گسترده‌ترین اقدامی که چین تاکنون ارائه کرده است، نام می‌برند. ابتکار کمربند-راه متشکل از یک مسیر زمینی، کمربند اقتصادی جاده ابریشم و یک مسیر دریایی می‌باشد. این ابتکار یک طرح توسعه زیرساختی است که برای افزایش ارتباطات در سراسر اوراسیا و اقیانوس هند طراحی شده است. ابتکار کمربند-راه به‌طور قابل توجهی نفوذ چین را گسترش می‌دهد و پروژه‌های مرتبط با آن به‌عنوان ابزاری برای نظارت بر اقتصاد جهانی تلقی می‌شوند که اهرم‌های سیاسی را برای پکن فراهم می‌کنند.

۱.۳ سازوکار کواد و چارچوب اقتصادی ایندو- پاسیفیک^۲

یک عنصر متحد‌کننده در میان چهار کشور اصلی استراتژی ایندو-پاسیفیک این است که هر چهار کشور مدعی ارزش‌های به اصطلاح دموکراتیک هستند. ژاپن به ویژه در ارتقا ماهیت دموکراتیک کواد به عنوان قلب استراتژی ایندو-پاسیفیک نقش فعالی داشته است. نخست وزیر سابق آبه از کواد به عنوان "الماس امنیت دموکراتیک آسیا"^۳ یاد می‌کند و وزیر خارجه سابق اوتارو آسو^۴ مفهوم "دیپلماسی ارزش مدار"^۵ را در یک سخنرانی که به نظر می‌رسد پایه و اساس رابطه هند و ژاپن را ارائه می‌دهد، برای آن به‌کار برد (Holland, & Brooke, 2021: 1-2). دیپلماسی ژاپن بر "ارزشهای جهانی"^۶ مانند دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، قانون و اقتصاد بازار تاکید دارد به نظر می‌رسد اصل اساسی این پیمان نگرانی از چین در حال ظهور می‌باشد که دیدگاه متفاوتی در مورد نظم آسیا دارد. آن چه که مشخص هست چهار کشور عضو کواد درباره چین یک نگرانی مشترک دارند. مطالب زیادی در مورد اهمیت و اهمیت استراتژیک کواد به‌عنوان یک بلوک نظامی دفاعی متشکل از ایالات متحده، هند، استرالیا و ژاپن در منطقه ایندو-پاسیفیک نوشته شده است. تاکید بر اهمیت استراتژیک در یک موقعیت ژئوپلیتیکی که به سرعت در حال تغییر است، کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. با این وجود، تاریخ به ما می‌آموزد که الزامات اقتصادی زیربنای اتحادهای استراتژیک است. در این بستر است که نشست کواد که در ۲۴ ماه مه در توکیو در سایه جنگ جاری اوکراین برگزار شد، اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا این

¹. Belt&Road Initiative (BRI)

². Indo-Pacific Economic Framework

³. Asia's democratic security diamond

⁴. Taro Aso

⁵. Value-based diplomacy

⁶. Global values

اتحاد برای اولین بار پیشنهادی ملموس برای حمایت از ائتلاف دفاعی استراتژیک همراه با همکاری اقتصادی ارائه کرد.

چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک^۱ که توسط جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده در آستانه اجلاس کواد رونمایی شد، اولین نشانه قطعی از اهمیت دادن به همکاری اقتصادی در کنار الزامات استراتژیک است. پیشنهاد چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک، اگرچه در مراحل اولیه خود است اما این ظرفیت را دارد که پیامدهای گسترده‌ای را در اقتصاد اعضای کواد و سایر کشورهای برجسته منطقه به همراه داشته باشد. به همراه چهار عضو کواد، سایر اعضای چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک را کره جنوبی، اندونزی، نیوزلند، مالزی، سنگاپور، فیلیپین، تایلند، ویتنام و برونگی تشکیل می‌دهند. چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک تمام اجزای مورد نیاز برای ظهور به‌عنوان یکی از قدرتمندترین بلوک‌های اقتصادی و تجاری در جهان را دارد. ظرفیت ایجاد یک موقعیت برد-برد برای همه اعضا با فراوانی منابع طبیعی، دانش فنی، ثبات سیاسی و نزدیکی جغرافیایی قابل لمس است. چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک تنها اولین گام‌های کوچک را به سمت موضوع بسیار پیچیده دستیابی به یک فرمول سودمند دوجانبه برای هر ۱۳ کشور عضو متعلق به مراحل مختلف توسعه اقتصادی و اولویت‌ها برداشته است (Hu & Meng, 2020: 143).

اقتصاد آبی می‌تواند یکی از زمینه‌هایی باشد که سبب شود کشورهای عضو به توافقی سودمند در سایه آن دست یابند. قدرت چهار عضو کواد در حوزه ثروت دریایی، امکانات الهام‌بخشی را برای ابداع استراتژی‌های نوآورانه اقتصاد آبی برای همکاری فراهم می‌کند. ایالات متحده و استرالیا با دومین و سومین مناطق انحصاری اقتصادی به ترتیب با بیش از ۱۱ و ۱۰ میلیون کیلومتر مربع، به خوبی توسط هند و ژاپن با مناطق انحصاری اقتصادی‌های به همان اندازه قدرتمند متحد شده‌اند. هند از نظر مناطق انحصاری اقتصادی در رتبه هجدهم و ژاپن در رتبه هشتم جهان قرار دارند. توانایی‌های فن‌آورانه ژاپن می‌تواند به خوبی با ظرفیت منابع دریایی هند و استرالیا برای توسعه محصولات و خدماتی که بزرگ‌ترین بازار مصرف جهان مانند ایالات متحده را هدف قرار می‌دهد، مورد استفاده قرار گیرد. اگر بتوان همین الگو را برای ۹ عضو دیگر زیر چتر چارچوب اقتصادی ایندو پاسیفیک اعمال کند، یکی از بزرگترین مناطق اقتصادی مبتنی بر منابع دریایی در جهان منجمله حوزه خلیج فارس تشکیل خواهد شد.

¹. The Indo-Pacific Economic Framework (IPEF)

استرالیا در حال حاضر به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در توسعه اقتصاد آبی به‌عنوان یکی از حوزه‌های اصلی ابتکارات سیاسی خود ظاهر شده است. استرالیا قبلاً اقتصاد آبی را به‌عنوان منطقه حیاتی برای امنیت غذایی و انرژی پایدار شناسایی کرده است. این کشور برای اولین بار بخش‌های آبی پروری و انرژی‌های تجدیدپذیر را برای مقابله با چالش‌های تولید غذا و انرژی فراساحلی گرد هم می‌آورد. ژاپن دارای یک پروژه تحقیقاتی اقتصادی آبی پر جنب‌وجوش است که توسط انجمن اقتصاد آبی ژاپن رهبری می‌شود. هدف این انجمن ترویج تحقیق و توسعه فن‌آوری‌ها و روش‌های لازم برای احیای پروژه‌هایی است که به حفظ و احیای مناطق ساحلی از طریق همکاری نزدیک بین محققان، مهندسان و دست‌اندرکاران در زمینه‌ها و ظرفیت‌های مختلف کمک می‌کند. برنامه استراتژیک اداره ملی اقیانوسی و جوی برای اقتصاد آبی در ایالات متحده، ادغام بیشتر این بخش را پیش‌بینی می‌کند. طبق گزارش سال ۲۰۲۰، اقتصاد آبی آمریکا از ۳.۲ میلیون شغل حمایت کرد و حدود ۳۷۳ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی این کشور از طریق فعالیت‌هایی مانند گردشگری و تفریحی، کشتیرانی و حمل‌ونقل، ماهیگیری تجاری و تفریحی، تولید برق، تحقیقات و موارد مرتبط با کالاها و خدمات کمک کرده است (Gallagher&Mohsni,2020:38).

هند نیز دارای چارچوب سیاستی است که اقتصاد آبی را به‌عنوان یکی از حوزه‌های استراتژیک کلیدی برای توسعه و رشد سریع شناسایی می‌کند. با توجه به این پیشینه، چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک فرصتی عالی برای استفاده از قدرت هر یک از اعضای کواد برای توسعه یک استراتژی همه‌جانبه اقتصاد آبی برای ایجاد یک موقعیت برد-برد برای همه شرکا ارائه می‌دهد (Fulton,2021). برجسته کردن ایده توسعه یک بلوک اقتصادی و تجاری بادوام همراه با همکاری استراتژیک دفاعی نشان از اهمیت چارچوب اقتصادی ایندو-پاسیفیک است. قدرت ذاتی و ظرفیت استفاده نشده منابع دریایی در منطقه ایندو پاسیفیک، اقتصاد آبی را به انتخاب طبیعی برای استفاده از قدرت اعضای اصلی کواد همراه با جامعه گسترده اعضای چارچوب اقتصادی ایندو پاسیفیک تبدیل می‌کند.

بازی توازن قدرت در ایندو-پاسیفیک

امروزه، چین در حال تبدیل شدن به یک هژمون قدرتمند منطقه‌ای است که نه تنها معادلات استراتژیک را دستخوش تغییر و تحول کرده است؛ بلکه ایالات متحده آمریکا را نیز با شرایط و مقتضیات جدیدی روبه‌رو ساخته است. چین سریع‌ترین رشد اقتصادی قرن بیست‌ویکم را از آن خود

کرده و اکنون به جایگاه دوم در اقتصاد بزرگ جهان با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۱۸ میلیارد دلار دست یافته است (Macrotrends, 2022).

از سوی دیگر، دولت پکن با دستیابی به رشد اقتصادی، گام بعدی خود را در جهت افزایش قدرت به ویژه در حوزه نظامی و افزایش نفوذ خود در مناطق مختلف جهان برداشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۲۱ چیزی بالغ بر ۲۹۳ میلیارد دلار در صنعت نظامی خود سرمایه‌گذاری کرده است (Statista, 2021).

این کشور در سال ۲۰۱۵ اولین پایگاه خارجی خود را در جیبوتی افتتاح کرد. چین که می‌داند بدون داشتن یک نیروی دریایی قدرتمند که بتواند توان خود را از طریق آن در سراسر اقیانوس هند یا مجموعه‌ای از پایگاه‌های خارج از کشور ارائه دهد، موفق نخواهد بود، از طریق توسعه ابتکار راه ابریشم دریایی خود در تلاش است که خود را به‌عنوان یک قدرت در اقیانوس هند مطرح نماید. این اقدام چین توسط تحلیل‌گران غربی به عنوان استراتژی "رشته مروارید"^۱ توصیف شده است. تمامی اقدامات در زیر مجموعه‌ای از پروژه‌های تحت چتر حمایتی کمربند-راه و با توسعه درگاه‌های خدماتی مورد استفاده برای سرویس دهی به بازارهای محلی، بنادر به‌عنوان قطب‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای و دروازه‌ای برای اتصال به کشورهای اقیانوس هند انجام می‌شود (Kasai, 2020: 1023). نگاهی گذرا به برخی از این پروژه‌ها دامنه پروژه‌های کمربند-راه چین را برجسته می‌کند. در میانمار، کمپانی سینتک^۲ چین ۷۰ درصد سهام یک بندر ۷.۲ میلیارد دلاری در اعماق دریا در ایالت راخین غربی را در کنترل خود دارد (Singh and Singh, 2019: 35). یک شرکت چینی تاسیسات حمل‌ونقل کانتینر را در چیتاگونگ بنگلادش اداره می‌کند و در حال برنامه‌ریزی برای توسعه بنادر و جزیره سونادای جنوب بنگلادش است. هلدینگ^۳ چین اجاره ۹۹ ساله بندر هامبانتوتا در سریلانکا را به‌عنوان بخشی از معامله برای تسویه بیش از ۸ میلیارد دلار بدهی به شرکت‌های دولتی چین در نظر گرفته است (Chau, 2019). مالدیو نیز از طریق پروژه‌های زیربنایی سطح قابل توجهی از بدهی چین را به عهده گرفته است. مبلغی که ۷۰ درصد بدهی دولت مالدیو را شامل می‌شود و تا آن حد که ۱۰ درصد از بودجه ملی آن کشور برای پرداخت پول به چین اختصاص یافته است (Rajagopalan, 2018). در پاکستان، بندر گوادر نقطه پایانی کریدور اقتصادی چین و پاکستان^۴ است

1. string of pearls

2. CITIC

3. China Merchants Port Holdings

4. CPEC

که چین از طریق آن، به بنادر دریای عرب دسترسی می‌یابد و بحث‌هایی هم در مورد توسعه پایگاه دریایی و فرودگاه در ۶۰۰ کیلومتری جیوانی در غرب گوادر وجود دارد (Kasai, 2020: 1024). در عمان، یک کنسرسیوم چینی بیش از ۳ میلیارد دلار در توسعه یک شهر بندری در منطقه دوقم سرمایه‌گذاری کرده است، روی هم‌رفته، پروژه‌های کمربند-راه به میزان قابل توجهی نفوذ چین در سراسر اقیانوس هند را گسترش می‌دهد و زمینه را برای افزایش انرژی دیپلماتیک چین در فضای ایندو-پاسفیک برای چین فراهم می‌کند.

واکنش ایالات متحده در برابر این تشدید فعالیت‌های اخیر چین در اقیانوس هند و به‌طور کلی آسیا تأکید بر استراتژی ایندو-پاسفیک در پاییز ۲۰۱۷ بود. وزارت امور خارجه آمریکا در این سال برنامه‌ای تحت عنوان "تعریف روابط ما با هند برای قرن آینده"^۱ ارائه داد که در آن یک نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین را توصیف می‌کند که به نفع ایالات متحده و هند در برابر تهدید چین به عنوان یک کشور تحریک‌کننده و تجدیدنظرطلب می‌باشد. ایالات متحده باید اطمینان حاصل کند که ایندو-پاسفیک به‌طور فزاینده‌ای محل صلح، ثبات و رشد روزافزون باشد تا به منطقه‌ای از بی‌نظمی، درگیری و منبعی برای اقتصاد غارتگر چین تبدیل نشود (The White House, 2017: 14).

از دیدگاه ایالات متحده مرکز ثقل جهان از آتلانتیک - مدیترانه در حال تغییر به ایندو-پاسفیک است. ایالات متحده و متحدان آن باید با اهداف مشترک مانند صلح، امنیت، آزادی دریانوردی و یک معماری آزاد، به عنوان محافظان شرقی و غربی ایندو-پاسفیک عمل کنند (Edmondson, 2020). ایالات متحده در اولین گام برای رسیدن به این هدف از مشارکت فراپاسفیک^۲ خارج شد (Dasai, 2019). سپس کاخ سفید استراتژی امنیت ملی خود را در دسامبر ۲۰۱۷ منتشر کرد که در آن رویکرد دولت آمریکا در مورد ایندو-پاسفیک را روشن می‌کند و این منطقه را به‌عنوان جایی که یک رقابت ژئوپلیتیکی بین دیدگاه‌های جهان به اصطلاح آزاد به رهبری ایالات متحده و جهان سرکوبگر و نابودکننده نظم جهانی به رهبری چین در آن جریان دارد، معرفی می‌کند و با اتخاذ زبانی تند در توصیف چین به‌عنوان تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین را به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک توصیف می‌کند و با اشاره به ابتکار کمربند-راه، ادعا می‌کند: «کشورهای سراسر منطقه هند و آرام در پاسخ جمعی، خواستار رهبری پایدار ایالات متحده هستند که از یک نظم منطقه‌ای مبتنی به احترام به حاکمیت و استقلال کشورهای حمایت

¹ Defining our Relationship with India for the Next Century

² Trans Pacific

می‌کند» (United States, 2017:46). لذا آمریکایی‌ها معتقدند که همکاری با متحدان اصلی سدی قوی است که واشنگتن بر اساس آن می‌تواند نفوذ و قدرت رو به رشد چین را محدود کند. دولت اوباما نه تنها مسیر رویکرد بوش در قبال منطقه ایندو-پاسیفیک را در پیش گرفت بلکه با به‌کارگیری رویکردها و اقدامات نوین در قالب منابع دیپلماتیک؛ اقتصادی و نظامی، آن را تسریع بخشید. وی سیاست «تعامل عمیق»^۱ با چین و استراتژی «محدودیت نظامی»^۲ را در قبال منطقه آسیا و اقیانوسیه را سرلوحه سیاست و استراتژی خود در منطقه ایندو-پاسیفیک قرار داد. دونالد ترامپ، رویکرد یک‌جانبه‌گرایی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد؛ زیرا وی معتقد بود که سیاست چندجانبه‌گرایانه آمریکا در سال‌های گذشته باعث قوی‌تر شدن رقبا به‌ویژه چین و از دست رفتن نفوذ پیشین آمریکا شده است. همین امر موجب گشت تا سیاست‌های ترامپ در قبال چین نسبت به دولت اوباما، ماهیت تهاجمی‌تری به خود بگیرد و اهتمام بیشتری به حوزه ایندو-پاسیفیک داشته باشد. اهتمام ترامپ بر حوزه ایندو-پاسیفیک نسبت به سایر مناطق جهان را بایستی در رویکرد اقتصادمحور او جست‌وجو کرد. از آنجایی که نیمی از تجارت جهان و تولیدات دنیا در این حوزه قرار دارد و از سوی دیگر چین به‌عنوان مهم‌ترین رقیب اقتصادی ایالات متحده در منطقه و جهان در حال تبدیل شدن به یک هژمون اقتصادی است؛ از این‌رو، دکترین رسمی ترامپ، منطقه ایندو-پاسیفیک را به‌عنوان مرکز ثقل جهان شناسایی کرد.

در حال حاضر نیز دولت بایدن سیاست‌های اتخاذ شده پیشین را دنبال می‌کند و گام‌های مؤثری برای بازگرداندن رهبری آمریکا در ایندو-پاسیفیک در قرن بیست‌ویکم برداشته است. از این‌رو، واشنگتن در سال‌های اخیر در قالب مدرن‌سازی اتحادیه‌های دیرینه، تقویت مشارکت‌های نوظهور و ایجاد پیوندهای نوآورانه درصدد برآمده است تا با چالش‌های فوری مقابله کند. تعمیق همکاری و افزایش قابلیت همکاری با متحدان و شرکا در خاورمیانه و خلیج فارس از جمله دکترین تعریف‌شده بایدن در حوزه ایندو-پاسیفیک است (The White House, 2022: 4-5).

از دیدگاه چین، استراتژی ایندو-پاسیفیک یک اقدام خصمانه است. وزارت خارجه چین در پاسخ به اقدام ایالات متحده در تغییر نام فرماندهی اقیانوس آرام خود به فرماندهی ایندو-پاسیفیک، آن را در درجه نخست تحریک چین و هند به جنگ طولانی مدت تفسیر می‌کند و در مرحله دوم، ظهور اجتناب‌ناپذیر هند و تقویت کنترل واشنگتن بر اقیانوس هند می‌داند (Grossman, 2019). بنابراین برداشت‌های چینی‌ها از ایندو-پاسیفیک می‌تواند چالش‌هایی در بین متحدان ایالات متحده ایجاد کند.

¹. Deep engagement

². Military restrictions

نقشه ۱: منطقه مورد نظر استراتژی ایندو پاسیفیک



Ministry of External Affairs, Government of India (2020)

رقابت دو استراتژی ایندو- پاسیفیک و کمربند- راه بر منطقه خلیج فارس

با تغییر نظم بین‌المللی، نظم‌های منطقه‌ای شکننده زیر ذره‌بین قرار گرفته‌اند و این امر در سراسر منطقه خاورمیانه بیشتر از سایر نقاط جهان مشهود است. به‌دنبال خیزش‌های عربی، کشورهای شکننده و ضعیف در سراسر این منطقه در معرض توجه بیشتر قرار گرفتند زیرا که جنگ‌ها در عراق، سوریه، یمن و لیبی احتمال داشت که به کشورهای همسایه نیز سرایت کنند. در حالی که خلیج فارس به استثنای عراق توانست خود را از بی‌ثباتی سیاسی حفظ کند اما این نظم منطقه‌ای در برابر فشار سطوح نظم بین‌المللی آسیب‌پذیر است. استراتژی ایندو-پاسیفیک در رقابت یا خصومت با ابتکار کمربند-راه چین می‌تواند نظم منطقه‌ای بسیار ظریف خلیج فارس را بر هم بزند.

هر چند در نگاه اول، به نظر نمی‌رسد که خلیج فارس به‌طور منطقی در استراتژی ایندو-پاسیفیک از ویژگی‌های قابل توجهی برخوردار باشد. اگرچه کشورهای حاشیه خلیج فارس میراث‌دار تمدن‌های باستانی هستند و تجارت‌های دریایی از گذشته‌های دور دارند که از لحاظ تاریخی آن‌ها را با سایر جوامع اقیانوس هند پیوند داده است اما به‌طور معمول به سمت شرق گرایش ندارند. آن‌ها در عصر دولت‌های مدرن، از ابتدا در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی خود بر جهان غرب متمرکز بوده‌اند. با این حال، از نظر ژئوپولیتیکی، خلیج فارس از راه تنگه هرمز منطقه را به مسیرهای تجاری اقیانوس هند متصل می‌کند (Vangali, 2018:680).

جایگاه ژئواستراتژیک خلیج فارس به‌عنوان مرکزی که چندین منطقه جهان از جمله اوراسیا و اقیانوس هند را بهم پیوند می‌دهد، اهمیت آن را برای قدرت‌های بزرگ خارجی مهم‌تر کرده و این امر با مرکزیت کشورهای خلیج فارس در بازارهای جهانی انرژی شدت یافته است. این اهمیت سبب شده

است که قدرت‌های فرامنطقه‌ای بیش از اندازه در مدیریت نظم سیاسی منطقه خلیج فارس به ایفای نقش بپردازند.

با توجه به اهمیت کشورهای خلیج فارس در بازارهای جهانی انرژی، ثبات مداوم کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به شدت به حمایت ایالات متحده وابسته است. معماری امنیتی که ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ایجاد کرده است، محیطی را برای حضور سایر کشورهای خارج از منطقه ایجاد کرده است که قادر به برقراری روابط قوی‌تر با هر یک از کشورهای حاشیه خلیج فارس باشند، بدون این که نقش متفاوتی در کمک به امنیت منطقه داشته باشد. در نتیجه، کشورهایی مانند چین، هند و ژاپن با داشتن منافع اقتصادی و استراتژیک قابل توجه در منطقه، در حال تبدیل شدن به بازیگران مهم خلیج فارس هستند.

همه این تحولات در حالی اتفاق می‌افتند که نقش مداوم ایالات متحده در حفظ نظم منطقه‌ای خلیج فارس به طور فزاینده‌ای زیر سؤال رفته است، به‌طور مثال، روابط ایالات متحده و عربستان سعودی را می‌توان تا حد زیادی در پاسخ به فشارهای جنگ سرد درک کرد اما پایان جنگ سرد محدودیت‌های چنین رابطه‌ای را آشکار کرد و حفظ همان سطح از روابط را اکنون دشوار می‌کند. بدون چشم‌انداز مشترک تهدیدها و ابزارهای محافظت در برابر آن‌ها، منافع نفتی به‌تنهایی نمی‌توانند رابطه این دو کشور را به نزدیکی سابق خود برگردانند. رهبران سعودی اعتماد خود را به سیاست منطقه‌ای آمریکا به‌خصوص در دوران اواما و تردید به سیاست‌های دولت بایدن از دست دادند و روابط تنگاتنگ ایالات متحده و عربستان سعودی در داخل کشور به‌طور فزاینده‌ای آن محبوبیت گذشته را ندارد (Pillar, et al, 2020: 11).

شکاف در این اتحادها در سال‌های اخیر بیشتر دیده شده است. رهبران خلیج فارس از زمان اواما در مورد منافع ایالات متحده در منطقه نگرانی دارند و این نگرانی فشار قابل توجهی در روابط ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس ایجاد می‌کند. سقوط مبارک متحد سی ساله ایالات متحده، موشک پرانی - های حوثی‌ها به آرامکو (Nye, 2020: 206)، نشانه‌ای از دغدغه رهبران شورای همکاری خلیج فارس است که به آن‌ها نشان می‌دهد که روابطشان با واشنگتن به آن اندازه که تصور می‌کردند، محکم نیست. چندین رویداد مهم منطقه‌ای، از جمله حمله آمریکا به عراق، پاسخ واشنگتن به شورش‌های عربی و مذاکرات هسته‌ای با ایران، به درک درونی آن کمک کرده است. بنابراین اعتماد طولانی مدت شورای همکاری خلیج فارس به ایالات متحده به‌عنوان ضامن امنیتی منطقه در حال کاهش است. این رویکرد ناسازگار واشنگتن در برابر بحران‌ها، تصویر یک ایالات متحده نامطمئن در درگیرهای خلیج فارس را تقویت کرده است.

در عین حال، چین روابط متراکم‌تری با کشورهای حاشیه خلیج فارس دنبال می‌کند. استراتژی‌های آن‌ها مبتنی بر مصون‌سازی به‌منظور به حداکثر رساندن منافع خود در حالی که مزاحم سایر کشورهای مهم منطقه نیستند، می‌باشد (Kenderdine & Lan, 2018: 560). یک خلیج فارس با ثبات به نفع پکن است. منطقه ویژه اقتصادی دو ققم یک مثال خوب در مورد هم‌گرایی منافع آن‌ها ارائه می‌دهد. این منطقه ویژه اقتصادی که توسط کنسرسیومی از شرکت‌های چینی با بودجه چینی توسعه یافته است، در امتداد خط ساحلی ۳۱۰۰ کیلومتری دریای عمان واقع شده است و یک نقطه دسترسی برای انتقال انرژی خلیج فارس را که از تنگه هرمز عبور می‌کند، فراهم خواهد ساخت. این سیستم برای هدایت ترافیک خلیج فارس به خارج از آن و تغییر تنظیمات مسیرهای دریایی فعلی اقیانوس هند طراحی شده است که در آینده نیاز به تنگه هرمز به‌عنوان تنها مسیر انتقال انرژی کاهش خواهد یافت (Scobell, 2018). پیش‌بینی می‌شود بندر دقم با داشتن پالایشگاه و تاسیسات ذخیره سازی نفت، تبدیل به یک بندر مهم انرژی شود.

منطقه ویژه اقتصادی دو ققم یک پروژه مهم نیز برای رهبران دهلی نو است زیرا تقریباً ۶۴ درصد از واردات نفت این کشور از کشورهای حوزه خلیج فارس تامین می‌شود. هنگامی که نخست‌وزیر هند در اوایل سال ۲۰۱۸ از عمان دیدار کرد، یک تفاهم‌نامه همکاری نظامی با عمان امضا کرد که دسترسی هند به دو ققم را برای استفاده نظامی و پشتیبانی لجستیکی و هم‌چنین استفاده از اسکله‌های خشکی آن برای نگهداری و تعمیر کشتی‌های هندی فراهم می‌کند (Singh & Singh, 2019a: 31). از این‌رو توسعه و اتصال زیرساخت‌ها یک کالای عمومی است که توانایی بهره‌مندی از آن توسط چندین کشور را ارایه می‌دهد. این موارد نشان می‌دهد که چگونه منافع هند و چین می‌تواند در خلیج فارس هم‌سو شوند و این نکته را تقویت می‌کند که رهبران هند باید تعادل بین همکاری با واشنگتن را حفظ کنند در حالی که دشمن پکن نباشد.

از سویی دیگر، هم‌زمان پروژه‌های کمربند-راه چین بر خلاف منافع هند در آسیای جنوبی عمل می‌کنند و این‌جا، جایی است که مشخص می‌شود تنش‌ها در یک منطقه امکان سرایت به منطقه دیگر را دارند. عمق تعامل کمربند-راه چین در بوتان؛ نپال؛ بنگلادش؛ مالدیو؛ سریلانکا و پاکستان، به‌عنوان نفوذ ناخواسته به منطقه‌ای که همیشه یک حوزه نفوذ هند بوده است، تلقی می‌شود.

در پاسخ به این نگرانی‌ها بود که هند به همکاری با ایران در توسعه بندر چابهار پرداخت. چابهار در ۹۰ کیلومتری گوادر قرار دارد و تنها بندر غیر خلیج فارسی ایران است. زیرساخت‌های حمل‌ونقل موجود این بندر، ظرفیت این را دارد که آن را به افغانستان و آسیای میانه متصل کند و مسیرهای

دسترسی زمینی به هند را بدون نیاز به خاک پاکستان یا چین فراهم سازد (Roy,2020:54). با توجه به عمق روابط ایران با چین در پروژه‌های مرتبط با کمربند - راه، این امر می‌تواند مانند منطقه ویژه اقتصادی دوqm، منطقه‌ای باشد که چین و هند می‌توانند رویکرد بیشتری برای توسعه‌ی کالاهای عمومی خود اتخاذ کنند.

توجه به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای دهلی‌نو یکی از ملاحظات مهم راهبردی است و تعامل هند با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در دو حوزه اقتصادی و استراتژیک تشدید شده است و این روابط مدت‌ها است که به یک جنبه اقتصادی توانمند تبدیل شده است (Ministry of Commerce & Industry India,2022). تجارت انرژی و حواله‌های ۴۰ میلیارد دلاری حدود ۱۰ میلیون نفری مهاجران هندی در کشورهای خلیج فارس، نقش عمده‌ای در روابط بین آن‌ها دارد (Qumar,2021:151). در چند سال اخیر، سرمایه‌گذاری گسترده هند در پروژه‌های زیربنایی و توسعه کشورهای شورای همکاری نقش پررنگی در روابط اقتصادی طرفین داشته است و در حالی که دهلی‌نو سعی در محافظت از انرژی و سرمایه‌گذاری خود دارد، مسائل امنیتی دریایی را نیز برجسته‌تر کرده است.

در حاشیه جنوبی خلیج فارس، چین نیز به‌طور ویژه فعال بوده است، در سال‌های اخیر روابط اقتصادی پکن با هر یک از کشورهای خلیج فارس شدت یافته است. حجم کل تجارت چین و شورای همکاری خلیج فارس تا اوایل سال ۲۰۲۰، حدود ۱۴۴ میلیارد دلار بود. تجارت و ادغام مالی هر دو محور اصلی همکاری‌های کمربند - راه هستند و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در هر دو محور برای چین کاملاً تثبیت شده‌اند (Simon,2021). حضور روزافزون چین در خاورمیانه در دو دهه اخیر و روابط نزدیک آن با عربستان سعودی و امارات متحده عربی، به‌عنوان عوامل محدود کننده مهم در روابط دوجانبه بین دو کشور عمل می‌کند. استراتژی چین در خاورمیانه این کشور را ملزم می‌کند که در یک نمایش ژئوپلیتیکی دقیق شرکت کند.

شرکای اصلی چین در خاورمیانه عربستان، امارات متحده عربی و مصر هستند. در سال ۲۰۱۶، دو کشور چین و سعودی یک کمیته مشترک سطح بالا مسئول تعمیق روابط دوجانبه ایجاد کردند که توسط هان ژنگ، عضو کمیته دائمی دفتر سیاسی حزب کمونیست و محمد بن سلمان اداره می‌شد. در جریان سفر دسامبر ۲۰۲۲ شی جی پینگ به عربستان سعودی، شرکت‌های چینی و عربستانی سی‌وچهار موافقت‌نامه را امضا کردند که شامل انرژی سبز، فن‌آوری اطلاعات، زیرساخت‌ها و موارد دیگر است. دو کشور، بیست قرارداد اولیه به ارزش ۲۹ میلیارد دلار را امضا کردند (

Aljazeera, 2022). پکن و ابوظبی در جریان سفر شی به امارات در سال ۲۰۱۸، روابط خود را با ترسیم مشارکت استراتژیک جامع تقویت کردند (Alterman, 2019). قاهره از سال ۲۰۱۴ یک شریک استراتژیک جامع پکن بوده است و عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر تاکنون شش بار به پکن سفر کرده است. پکن هم‌چنین روابط خود با رژیم اسرائیل را افزایش داده و در بنادر و راه آهن این کشور سرمایه‌گذاری کرده و به یک بازیگر مهم در بخش فن‌آوری پیشرفته از جمله در فن‌آوری‌های مانند خودروهای برقی و خودران تبدیل شده است.

پیش‌بینی می‌شود که رشد تجارت ادامه داشته باشد و توافق‌نامه تجارت آزاد بین چین و شورای همکاری خلیج فارس که مدت طولانی مورد مذاکره قرار گرفته است، عامل مهمی در روابط اقتصادی طرفین بازی خواهد کرد. همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس عضو بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا هستند. امارات و قطر صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک در کمربند-راه را با چین تاسیس کرده‌اند. عربستان سعودی هم تفاهم‌نامه‌ای برای ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ۲۰ میلیارد دلاری با چین در قالب کمربند-راه امضا کرده است. شرکت‌های چینی به‌طور فعال در پروژه‌های زیربنایی و ساخت‌وساز خلیج فارس مشارکت دارند و با این امر یک جامعه بزرگ چینی خارج از کشور در شبه‌جزیره عربستان به‌وجود آمده است (Witte & Alufm, 2021).

با توجه به این حضور اقتصادی قابل توجه و با تمرکز دارایی‌ها و شهروندان در یک منطقه مهم از نظر سیاسی و درعین حال ناپایدار، جای تعجب نیست که یک عنصر امنیتی نوپا در روابط چین و شورای همکاری خلیج فارس در حال شکل گرفتن باشد که در حال حاضر محدود به بازدیدهای دریایی، تمرینات آموزشی مشترک و فروش اسلحه است، جایی که هر دو طرف علاقه‌مند به هماهنگی بیشتر امنیتی هستند.

با داشتن پایگاه جیبوتی و بندر گوادر به‌عنوان یک مرکز بالقوه نیروی دریایی، نظامیان چین می‌تواند به زودی برای مشارکت در امور امنیتی خلیج فارس مستقر شوند. درحالی‌که ایالات متحده قدرتمندترین توانایی‌های نظامی در خلیج فارس را دارد و هیچ کشور یا ائتلافی دیگر از کشورها نمی‌تواند آن را به چالش بکشند، پکن به‌راحتی می‌تواند یک مورد منطقی برای افزایش توانایی نظامی خود ایجاد کند. تخلیه ۶۲۹ چین و ۲۷۹ تبعه خارجی دیگر از یمن در سال ۲۰۱۵ اولین بار بود که نیروی دریایی چین یک عملیات تخلیه غیر رزمی انفرادی را انجام داد و بر اهمیت ایجاد حضور نیرومند نیروی دریایی در مناطق ناپایدار تاکید کرد (Singh & Singh, 2019b: 154). به اعتقاد ناظران، چنین رد پای بزرگی در خلیج فارس، احتمالاً طولی نخواهد کشید که نیروی دریایی چین نقش

بیشتری در محافظت از خطوط حمل و نقل انرژی و منافع چین در منطقه بازی کند. به این ترتیب، پایان استراتژی مصون سازی چین^۱ در خلیج فارس می تواند به یک نقش سیاسی و امنیتی فعال تر تبدیل شود و در تضاد با نظم ایندو-پاسیفیک ایالات متحده که با رقابت این ابرقدرت و چین برجسته می شود، خلیج فارس می تواند به یک صحنه نمایش برای رقابت قدرتهای بزرگ تبدیل شود (Garlick & Havlova, 2020:3).

تحلیل گران چینی امنیت انرژی معتقدند که این کشور در آینده بر سر منابع نفتی خاورمیانه با آمریکا و متحدینش وارد رقابت جدی خواهد شد. آنان این موضوع را نیز درک می کنند که کنترل نفت این منطقه تا حد زیادی در اختیار آمریکاست. در واقع، چین دیر هنگام به سوی اتخاذ استراتژی برقراری روابط مستحکم دو جانبه با دارندگان منابع نفتی در منطقه، پیش رفته است و بدین لحاظ از نفوذ قابل توجهی در میان آنان برخوردار نیست (David & Gross, 2019). با این وجود، این کشور تلاش کرده است که در سال های اخیر میزان نفوذ خود را در منطقه از طریق کمربند-راه افزایش دهد تا از این رهگذر در عرضه مداوم انرژی از این منطقه خلیج وارد نشود.

چین که نظم موجود در عرصه نظام بین الملل راضی نیست، در پی ایجاد نوعی موازنه و تغییرات نرم در قبال ایالات متحده است و این امر سبب گردیده است که نوعی از الگوی رقابت در منطقه شکل بگیرد. چین سعی دارد از طریق افزایش هزینه های رهبری هژمونیک ایالات متحده آمریکا در سطح نظام بین الملل به طور عام و در سطح خلیج فارس به طور خاص به جایگاه مورد نظر خود در ساختار نظام بین المللی دست یابد و سعی می کند با افزایش هزینه های رهبری ایالات متحده آمریکا در سطح نظام بین المللی، بدون رویارویی مستقیم به کسب جایگاه خود در سطح نظام بین الملل بپردازد (Sanger, 2019). بدین ترتیب، موازنه نرم در برابر آمریکا و رقابت با آن از طریق ابتکار کمربند-راه، یکی از اهداف اصلی چین در توسعه روابط و افزایش نفوذ در منطقه خلیج فارس محسوب می شود.

از سوی دیگر، به کارگیری فن آوری جدید و ورود نفت شیل به بازار، به صورت تدریجی آمریکا را به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در سطح جهان تبدیل خواهد کرد. تأمین امنیت انرژی، به آمریکا در عرصه بین الملل، آزادی عمل بیشتری خواهد داد. از این رو، این کشور با تکیه بر خودکفایی انرژی، می تواند در کنار مزایای اقتصادی و سیاسی برای اعمال فشار بر دیگر کشورها و در نهایت بازتوزیع قدرت بین المللی خود بهره جوید. هر کشوری که بر منابع خلیج فارس کنترل داشته

¹. Strategic Hedging

باشد، اهرم قدرت جهانی را در چند دهه آینده کنترل خواهد کرد (Anderson, 2019a:66). ایالات متحده آمریکا نیز در پی هژمونی و تثبیت قدرت خود در جهان است که این امر بدون تسلط بر شاهرگ انرژی جهان غیرممکن می نماید از آنجایی که نفت و گاز در نظام بین‌الملل کنونی عاملی مهم در جایگاه قدرت‌ها در موازنه بین‌المللی قدرت می باشد، لذا استراتژی ایالات متحده آمریکا به‌عنوان هژمون بعد از جنگ سرد، تسلط هر چه بیشتر بر منابع نفتی و کنترل مسیرهای آزاد انرژی یا بازارهای مصرف و به‌طور مستقیم کنترل اقتصاد جهان سرمایه‌داری بوده است. اگر آمریکا بر نفت این منطقه تسلط نداشته باشد، قدرت این کشور برای کنترل مناطق کلیدی در سایر نقاط جهان نیز کاهش خواهد یافت (BBC, 2019). با توجه به این که هدف آمریکا هژمونی بر جهان و تفوق بر رقبای احتمالی خود از جمله چین در قرن ۲۱می باشد، بنابراین، ابزار اساسی این هژمون از نظر استراتژیست‌های آمریکایی، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است و آن‌ها بر این نظر اجماع دارند که آمریکا نباید اجازه دهد که هیچ قدرت رقیبی بر این منطقه و جریان عرضه انرژی تسلط یابد؛ زیرا که هژمونی این کشور به خطر خواهد افتاد. ایالات متحده تلاش دارد این منطه را از راه استراتژی ایندو-پاسیفیک هم‌چنان در کنترل داشته باشد و نفوذ چین را از طریق ابتکار کمربند-راه به این منطقه ببندد.

بدین ترتیب، بی‌نیاز شدن ایالات متحده از نفت و گاز خاورمیانه، نه تنها موجب کاهش علائق این کشور به منطقه نخواهد شد بلکه این امر قدرت مانور آمریکا را در منطقه افزایش خواهد داد. در این رابطه باید توجه داشت که سلطه بر مناطق نفت خیز جهان و کنترل آبراه‌ها و معابر عبور انرژی، ابزار و اهرم قدرت آمریکا و تفوق این کشور بر رقبای اقتصادی خود است (Anderson, 2019b:67). بنابراین وقتی که ایالات متحده خودش از منابع منطقه بی‌نیاز باشد قدرت مانورش برای فشار بر رقبایی که نیازمند منابع این منطقه هستند بیشتر می شود، چرا که هر ناامنی در منطقه امنیت انرژی ایالات متحده را به خطر نخواهد انداخت، بلکه امنیت انرژی رقبا را تهدید خواهد نمود.

پیامدهای رقابت دو استراتژی بر منافع و امنیت ایران

منافع امنیت ملی ایران به شدت به روابط آن با ایالات متحده گره خورده است. سه عامل اولویت‌های امنیت ملی ایران را ایجاد کرده است: انقلاب ۱۹۷۹، سیاست خارجی ایران در برابر رژیم اسرائیل، و حملات ۱۱ سپتامبر. این‌ها باعث شده است که ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای سیاست‌های ناسازگار و

خشن را در رابطه با ایران اتخاذ کند؛ از جمله تحریم‌های شدیدی که رشد اقتصادی و نظامی ایران را به میزان قابل توجهی کاهش داده است (Vangeli, 2018: 674). نه تنها ایالات متحده با حضور نظامی قابل توجهی در ترکیه، عراق و خلیج فارس یک دشمن همه جانبه است، بلکه دارای قابلیت‌های موشکی و هسته‌ای فراتر از افق است که امنیت ایران را تهدید می‌کند.

ایران هم‌چنین با انبوهی از تهدیدات منطقه‌ای از کشورهای متوسط تا کوچک متحد آمریکا مواجه است. محیط منطقه‌ای «هرج و مرج گونه»^۱ ایران همه اجزای یک کابوس استراتژیک را دارد: همسایگانی با نگرش‌های خصمانه، غیردوستانه یا در بهترین حالت فرصت طلبانه دارد. از سوی دیگر، ایران بدون اتحاد با قدرت‌های بزرگ و رویارویی ۴۰ ساله با بزرگترین ابرقدرت تاریخ به حیات خود ادامه می‌دهد. در منطقه جنگ زده خاورمیانه (۵ جنگ بزرگ در کمتر از ۲۵ سال)، منطقه‌ای سرشار از مناقشات قومی-سرزمینی، ایران در مرزهای خود با یک جنبش فرامنطقه‌ای غالب وهابی-سلفی که از نظر ایدئولوژی و سیاسی، ایران و منطقه را با تهدید روبرو می‌کند، مواجه است. بنابراین ایران در "مرکز غیرقابل کنترل"^۲ سیاست جهانی پس از جنگ سرد و پس از ۱۱ سپتامبر قرار دارد (US Senate, 2020).

ایران هر چند رویکرد «خودیاری»^۳ را در سیاست خارجی در پیش گرفته است اما به دنبال هم‌سویی‌های راهبردی با کشورهای دارای روابط متخاصم با واشنگتن است؛ تا تهدیدات بار امنیتی پایداری را که ایالات متحده بر دوش آن گذاشته است، کاهش دهد. محور «حلقه طلایی»^۴ ایران، روسیه و چین ممکن است یکی از این پیشنهادها باشد. این اتحاد می‌تواند یک بلوک مهم ضد ایالات متحده در سراسر اوراسیا تشکیل دهد و در این فرآیند، ایران را از نظر استراتژیک، نظامی، سیاسی و اقتصادی تقویت کند (Saleh & Yazdanshenas, 2020). با این حال، ایران دارای منافع متضادی با همه این کشورها به جز چین دارد و چین به مراتب مرتبط‌ترین و مفیدترین آن‌ها برای تهران است، به‌ویژه به این دلیل که چین، ایران را به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری و منبع هیدروکربن خود در خاورمیانه می‌داند. برای پکن، ایران راهی برای خروج از چیزی است که چین به‌طور فزاینده‌ای متقاعد شده است که سیاست مهار ایالات متحده است. بر این اساس، چین برای تنوع بخشیدن به عرضه انرژی خود به ایران متکی است. انجام این کار، به واردات نفت چین کمک می‌کند تا با عبور کمتر از تنگه مالاکا که تحت کنترل متحدان آمریکا در جنوب شرقی آسیا است، جلوگیری کند. چین قصد

1. Anarchic

2. uncontrollable center

3. self-help

4. golden ring

دارد با اطمینان از اتصال جریان گاز ایران به خطوط لوله از طریق بندر گوادر که بخشی از پروژه کمربند- راه چین می‌باشد، بر این محمضه استراتژیک غلبه کند. این به نوبه خود آمادگی چین را برای سرمایه‌گذاری در توسعه چابهار و جاسک، بندر جنوب شرقی ایران که در حال ساخت است و پکن می‌تواند از آن‌جا به افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه نیز دسترسی داشته باشد، نشان می‌دهد.

برای ایران، کمربندراه نشان‌دهنده فرصتی بزرگ است آن هم در زمانی که قدرتهای غربی از سرمایه‌گذاری بسیار مورد نیاز و فن‌آوری پیشرفته برای توسعه زیرساخت‌های نفت و گاز و ظرفیت حمل‌ونقل خودداری می‌کنند» (Belt and Road News, 2019). پکن ممکن است از وارد شدن به درگیری‌های منطقه‌ای و پیچیده محتاط باشد اما منافعی در یک سطح با تهران هم‌سو است. سند مهم نشان‌دهنده این موضوع، مشارکت استراتژیک ۲۵ ساله امضا شده بین ایران و چین در اواسط سال ۲۰۲۰ است که بر امنیت تاکید می‌کند و بر برنامه‌های بلندمدت انتقال تسلیحات پکن به ایران، مانند توسعه موشک‌های ضد کشتی دوربرد و خرید جت‌های جنگنده چنگدو جی^۱ تاکید می‌کند.

ایران نیز تمایل چندانی به کاهش قدرت چین ندارد. از آن‌جایی که ایران روابط خود را با چین گسترش داده است و انتظاری جز رویارویی از ایالات متحده ندارد، استراتژی ایندو- پاسیفیک هم علاقه چندانی به ایران ندارد (Gupta & Singh, 2020). ایران دیدگاه‌های استراتژی ایندو پاسیفیک و گسترده‌تر شدن حوزه هند و اقیانوس آرام را نادیده می‌گیرد و آن‌ها را اسب‌های تروای ایالات متحده برای تقویت بیشتر قدرت ایالات متحده در سراسر جهان و محدود کردن قدرت کشورهایمانند ایران و چین می‌داند. که این برنامه تحت رهبری آمریکا، طراحی و اجرا می‌شود، بنابراین آن را در تضاد با اهداف استراتژیک ایران قرار می‌دهد. آخرین دیدگاه رسمی ایران در مورد استراتژی ایندو پاسیفیک، آن را به واکنش افراطی آمریکا و متحدانش به اقدامات چین در جنوب اقیانوس آرام و کپی برداری از ابتکار کمربند- راه پکن، البته در مقیاس کوچکتر و بدون ارائه چیز جدیدی متهم می‌کند (Shafiee, 2019). بنابراین ایران مایل نیست قدرت شریک اقتصادی و امنیتی اصلی خود، چین، توسط این استراتژی محدود شود.

از سوی دیگر، دولت چین اهداف بلندپروازانه‌ای را برای افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران تعیین کرده است. در توافق‌نامه همکاری ۲۵ ساله اخیراً، دولت چین وعده داد که در ازای نفت با تخفیف، ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران را در بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل، بنادر و مخابرات افزایش می‌دهد (Fassihi & Meyers 2021:11). برخی ناظران معتقدند که از یکی از اهداف چین

¹. Chengdu J-10 fighter jets

در مشارکت با ایران، جلوگیری از توجه واشنگتن برای تمرکز کامل نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی خود به حوزه ایندو-پاسیفیک است که برای منافع حیاتی ملی پکن بسیار مهم‌تر است (Alterman, 2019a:5). از دید پکن درگیری‌های طولانی مدت خاورمیانه و مناقشه طولانی مدت ایران و آمریکا مانع تعهد و تمرکز واشنگتن به منطقه ایندو-پاسیفیک می‌شود (Liming 2020:13). دخالت عمیق‌تر واشنگتن در خاورمیانه برای پکن مطلوب است و سبب می‌شود از توانایی واشنگتن برای جلب توجه و فشار بر چین کاسته شود. اقدامات نظامی ایران نه تنها از تمرکز بیشتر ارتش آمریکا بر ایندو-پاسیفیک جلوگیری می‌کند (Alterman, 2019b:5) بلکه هم‌چنین ایالات متحده را تحت فشار قرار می‌دهد تا به نقش ضامن امنیت منطقه‌ای خود ادامه دهد و به پکن اجازه می‌دهد از حضور نظامی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در جهت تامین امنیت انرژی خود آزادانه استفاده کند. لذا برخی معتقدند که دولت چین همواره در تعامل با ایران فرصت طلب بوده است و زمانی که پکن این کار را در جهت منافع ملی خود نداند، از حمایت از دشمنان منطقه‌ای ایران دریغ نمی‌کند (Ford & Hill, 2019). پکن در سال‌های اخیر روابط خود را با اتحادیه عرب عمیق‌تر کرده و روابط نزدیک‌تر خود با کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورهای عربی منطقه مخالف با ایران را تسهیل کرده است (Ministry of Foreign Affairs China, 2020). سفر سه روزه رئیس‌جمهور چین در دسامبر ۲۰۲۲ به عربستان گویای این موضوع می‌باشد.

نهایت این که این دو کشور در ضدیت با آمریکا مشترک هستند. اقدامات ایران در خاورمیانه ایالات متحده را مشغول کرده و مانع از آن می‌شود که واشنگتن تمرکز استراتژیک خود را به‌طور کامل بر منطقه ایندو-پاسیفیک که هدف اولویت‌دار اعلام شده ایالات متحده است، متمرکز کند (U.S. Department of Defense, 2019). در نتیجه، پکن فرصت‌های بیشتری برای گسترش نفوذ و حضور خود در ایندو-پاسیفیک دارد. از آن‌جا که ایالات متحده به حفظ نیروهای خود و سرمایه‌گذاری منابع بودجه‌ای در خاورمیانه ادامه می‌دهد، کمتر می‌تواند بر این منطقه تمرکز کند. حمایت چین از ایران با تمایل چین به حضور آزاد آمریکا در خاورمیانه پیچیده است.

به واسطه افزایش اهمیت منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تمامی قدرت‌های بزرگ به دنبال جای پای خود هستند وضعیتی که معمای امنیتی پیچیده‌تر را نوید می‌دهد. حضور، همکاری‌ها و تعاملات امنیتی آمریکا و چین با کشورهای حوزه خلیج فارس سبب ساز گسترش رقابت‌های تسلیحاتی و تهدیدات بالقوه در این منطقه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از دید واقع‌گرایان سیاست بین‌الملل تنها مجموع رویکردها و سیاست خارجی بازیگران در پهنه بین‌الملل نیست، بلکه در حقیقت ساختار سیستم بین‌الملل است که روابط اعضای آن در صحنه جهانی را شکل می‌دهد. در چنین فضای سیاسی است که دولت‌ها به تناسب توانایی‌هایشان در سطح بین‌الملل از امتیازاتی برخوردار می‌شوند. در نظام آشفته و تقریباً بی‌قانون جهانی، حفظ امنیت بالاترین هدف ملی کشورها است و روابط دولت‌ها بر پایه رسیدن به سود هر چه بیشتر استوار است تا همکاری و صلح و در عوض به جای آن، بی‌اعتمادی و کشمکش بر روابط دولت‌ها حاکم است و در واقع کشمکش‌ها و درگیری‌ها در نقاط گوناگون جهان را می‌توان برآیند تعادل ناپایدار کنونی میان قدرت‌های بزرگ و تابعی از رقابت میان آنها دانست.

اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس می‌دانند که صلح و امنیت آنها به روابط آن‌ها با ایالات متحده بستگی دارد و کاملاً می‌دانند که چین در آینده قابل پیش‌بینی، یا نمی‌تواند یا نمی‌خواهد جای ایالات متحده را بگیرد. در عین حال، آن‌ها نوعی نگرانی و عدم اطمینان در خصوص تداوم چتر امنیتی واشنگتن دارند. سفر شی جی پینگ در اواخر سال ۲۰۲۲، نشان داد که عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه از اهمیت استراتژیک فزاینده خود برای ذی‌نفعان جهانی برای به‌دست آوردن بهترین‌های هر دو جهان استفاده خواهند کرد.

همراه با عدم اطمینان در سطح نظم بین‌المللی، نظم منطقه‌ای در خلیج فارس نیز به‌طور فزاینده‌ای تیره می‌شود. رفتارهای دولت‌های آمریکا و نگرانی از سیاست‌های ایالات متحده کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را نگران کرده است که احتمالاً ایالات متحده قصد دارد ژئواستراتژی خود در خلیج فارس را تغییر دهد و کشورهای عربی را برای دفاع از خود تنها بگذارد. این نگران‌ها سبب شده درهای اقتصادی این کشورها برای ورود قدرت‌های خارج از منطقه برای حضور در اقتصادشان باز شود. این اقدام می‌تواند به‌عنوان نوعی اختلال در ژئواستراتژی ایالات متحده به حساب بیاید. باین‌حال، علی‌رغم همه گفتمان‌ها، هنوز ایالات متحده با حضور نظامی گسترده خود در خلیج فارس از طریق پایگاه‌هایی در کویت و امارات، به همراه پایگاه دریایی در بحرین، پایگاه هوایی در قطر و عربستان سعودی هم‌چنان بزرگترین قدرت در منطقه است. ایالات متحده ممکن است در مسیر تغییر ژئواستراتژی خود از خلیج فارس باشد، اما این اتفاق در کوتاه‌مدت نخواهد افتاد. باین‌حال، از آنجایی که چین یک بازیگر آزاد در منطقه خلیج فارس هست و تعهدات نظامی به کشورهای منطقه ندارد، ولی باین‌وجود هشدارهایی از واشنگتن دریافت می‌کند که حضورش در منطقه چالش‌هایی را در رابطه

با امنیت دریایی بوجود آورده است. به دلیل ناامیدی و نگرانی در مورد ایالات متحده وعدم اطمینان در مورد تضمین‌های امنیتی آینده این کشور، همه دولت‌های عربی خلیج فارس خواهان روابط خوبی با چین هستند، تا آن حد که چین در معماری امنیت آینده نیز بتواند نقش ایفا کند.

درسوی مقابل استراتژی چین در راستای ترویج چندقطبی‌گری است که به نظر می‌رسد در خاورمیانه روند روبه‌رشدی دارد در این راستا، انتظار می‌رود که چین روابط صمیمانه خود را با همه کشورهای حاشیه خلیج فارس بهبود ببخشد. چین می‌تواند بی‌سر و صدا روابط اقتصادی خود را توسعه دهد، از یک سو امنیت منابع انرژی خود را تامین کند و از سوی دیگر زمینه را برای توسعه پروژه کمربند - راه خود در خاورمیانه را فراهم می‌کند. در مقابل ایالات متحده مشارکت بیشتر بین‌المللی شرکای خود در کواد از جمله هند و ژاپن را در حمایت از ابتکارات استراتژی ایندوپاسیفیک برای درگیر شدن بیشتر در امورات مالی و تجاری با کشورهای خلیج فارس را در مقابله با توسعه‌طلبی چین تشویق می‌کند. اقدامات بالقوه سازنده می‌تواند شامل حمایت از اهداف تجاری و تلاش دیپلماتیک با مشارکت سایر قدرت‌های بین‌المللی برای ایجاد یک مجمع امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه در راستای تقویت استراتژی ایندوپاسیفیک باشد.

چین با ارتقاء منافع خود در منطقه و به‌دنبال کسب نفوذ بیشتر از طریق ارتباطات گسترده با کشورهای منطقه بویژه ایران و عربستان سعودی و ایجاد منافع اقتصادی خود در خلیج فارس می‌باشد که این اقدامات چین به طور پیوسته در حال از بین بردن هژمونی منطقه‌ای آمریکا است. در کوتاه‌مدت و میان مدت، بهترین اقدام برای چین ادامه حفاظت از منافع خود در خلیج فارس است تا هم راه برای اجرای پروژه کمربند راه و هم برای دستیابی به اهداف جامع امنیت ملی چین از جمله ادامه واردات انرژی ادامه یابد. اتخاذ استراتژی ایندو پاسیفیک توسط ایالات متحده، به‌عنوان وسیله‌ای برای مهار چین، خطر اختلال در نظم‌های منطقه در سراسر آسیا را در بردارد. سیاست ایندو پاسیفیک واشنگتن می‌تواند به واکنش تهاجمی‌تر پکن منجر شود، که سبب می‌شود استراتژی پکن را در مناطقی که می‌خواهد روابط اقتصادی و دیپلماتیک قوی‌تری ایجاد کند، تحت تاثیر قرار دهد و چین رویکرد فعال‌تری را برای مقابله با تقابل آمریکا در ایندو پاسیفیک اتخاذ کند که در آن حالت پیامدهایی را برای منطقه خلیج فارس به‌دنبال خواهد داشت؛ زیرا این رقابت در سطح نظم بین‌المللی، نظم منطقه‌ای خلیج فارس را که از قبل شکننده است، متشنج می‌کند.

با حمایت چین از ایران، این کشور جایگزینی برای جهان‌بینی آمریکایی فراهم می‌کند. برای ایران، این فرصتی برای داشتن شریکی در برابر برخی مواضع آمریکا است. موقعیت تقویت شده چین در

ایران حمایت و جایگاه مهم استراتژیکی را برای کمر بند راه فراهم می کند. چین با افزایش قدرت خود در ایران، و اتصال کمر بند راه از طریق اروپا، می تواند قدرت خود در هارتلند را نیز افزایش دهد. این امر موقعیت ایالات متحده را به عنوان هژمون به چالش می کشد؛ زیرا کسی که بر هارتلند حکومت می کند، بر جزیره جهانی و جهان حکومت می کند. بنابراین ایران مایل نیست که قدرت شریک اصلی اقتصادی و امنیتی خود یعنی چین را محدود کند. حتی روابط کاری خوب هند و ژاپن با ایران بعید است که منجر به تعامل تهران با استراتژی ایندو- پاسیفیک شود.

منابع و مآخذ

فارسی:

- شفیعی، نوذر (۱۳۹۹)، " تجزیه و تحلیل نقش اروپا در بازی بزرگ ایندو- پاسیفیک"، فصلنامه روابط خارجی، سال ۲۰، شماره ۳، پاییز صص ۰۴۴-۳۶۷.

انگلیسی:

- Aljazeera (2022), "China's Xi arrives in Saudi Arabia to 'bolster ties'", At: <https://www.aljazeera.com/news/2022/12/6/chinas-xi-to-visit-saudi-arabia-from-wednesday>.
- Alterman, Jon (2019), "Chinese and Russian Influence in the Middle East, Congressional Hearings, May 9, Serial No.116-37
- Amitave, A (2018). **The end of American world order**, 2. Edition February 2018, John Wiley & Sons press.224.
- Andersen, L. E., & Jiang, Y. (2019). Is China Challenging the US in the Persian Gulf? Oil, Security and Politics, **DIIS Report**. At: http://pure.diis.dk/ws/files/79420/DIIS_Report_29_WEB.pdf.
- Andersen, L.E., & Jiang, Y. (2019), "China's Engagement in Pakistan, Afghanistan and Xinjiang: Will China's Root Because model provide regional stability and security?", **DIIS Report**. At: <http://pure.diis.dk/>
- BBC May2, 2019, 'Six charts that show how hard US sanctions have hit Iran', BBC May2, 2019, At: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-48119109> .
- Belt and Road News (2019). "Iran turns to China & India in the Face of US Sanctions," Belt and Road News, 27 December, <https://www.beltandroad.news/>
- Chau, Thompson (2019), "China-led port project inches ahead in Myanmar," **Asia Times**, Jul 15, At: <https://www.asiatimes.com>.
- Cox, M. (1997). **The reluctant sheriff: The United States after the Cold War**. Oxford University Press.

- Desai, Meghnand (2019) "Trump: Return to (Classic) US Isolationism," **The Globalist**, October 26, At: <https://www.theglobalist.com/donaldtrump-isolationism-syria-war-nato-defense/>
- David, D. & S, Gross. (2018). "Could Iran Sanctions advance yuan globalization?" **High Frequency Economics**. At: <https://www.hifrequecon.com/could-iran-sanctions-advance-yuan-globalization>.
- Department of Commerce, Ministry of Commerce and Industry, Government of India (2022), "India's Oil & Gas Imports from Persian Gulf, 1996-2022 (in US\$ million)". <https://tradestat.commerce.gov.in/eidb/Default.asp>.
- Department of Defence, Australian Government, (2016) "Defence White Paper 2016," At: [https://www.defence.gov.au/WhitePaper/ Docs/2016-Defence-White-Paper.pdf](https://www.defence.gov.au/WhitePaper/Docs/2016-Defence-White-Paper.pdf).
- Edmondson, Catie (2020), "House Passes Uighur Human Rights Bill, Prodding Trump to Punish China," **New York Times**, May 27. At: <https://www.nytimes.com/2020/05/27/us/politics/house-uighurs-chinasanctions.html>
- Fassihi, Farnaz and Steven, Lee (2021), "China, with \$400 Billion Iran Deal, Could Deepen Influence in Mideast," **New York Times**, March 27. At: <https://www.nytimes.com/2021/03/27/world/middleeast/china-iran-deal.html>.
- Ford, Lindsey and Hill, Max (2019) "China's Evolving Ties with the Middle East," **Asia Society**, August 8. At: <https://asiasociety.org/asias-new-pivot/china>.
- Gallagher, Nancy and Mohseni, and Clay, Ramsay (2019), "Iranian Public Opinion under 'Maximum Pressure,'" **University of Maryland School of Public Policy**, October 24. At: https://cissm.umd.edu/sites/default/files/201910/Iranian%20PO%20under%20Maximum%20Pressure_101619_full.pdf.
- Garlick, Jeremy and Havlova, Radka (2020), "China's 'Belt and Road' Economic Diplomacy in the Persian Gulf: Strategic Hedging amidst Saudi-Iranian Regional Rivalry", **Journal of Current Chinese Affairs**, Vol 49, Issue 1, 2020 ,1-24.
- Gupta Megha and Mansheetal Singh (2020). "COVID-19: China's 'Health Silk Road' diplomacy in Iran and Turkey," **Observer Research Foundation (ORF)**, 13 April. At: <https://www.orfonline.org/>
- Grossman, Derek (2019), "How the US is thinking about the IndoPasific Strategy," **RAND**, February 7. At: <https://www.rand.org/blog/2019/02/how-theus-is-thinking-about-the-quad.html>.
- Hillary Clinton (2011), "America's Pacific Century," **Foreign Policy**, October 11. At: <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/americas-pacificcentury/>
- Holland & Brooke (2021). "Integrated Review 2021: The defence tilt to the Indo-Pacific", **UK Parliament**, October.
- Hu, W., & Meng, W. (2020). "The US indo-pacific strategy and China's response". **China Review**, 20(3), 143-176.
- Kenderdine, T. & Lan, P. (2018). "China's Middle East investment policy", **Eurasian Geography and Economics**, 59(5-6), 557-584.
- Kasai, Ryohei (2020), "China's Belt and Road Initiative and Gwadar Port Development," **Journal of Middle Eastern Studies (Middle East Trend 2019)**, March 2020, 1023-30.
- Liming, Hua (2020). "The Iran Nuclear Issue and China's Middle East Diplomacy", **Arab World Studies**, 6 November.

- Macrotrends (2022), "China GDP 1960-2022", Date of extraction: 22/7/2022, Available at: <https://www.macrotrends.net/countries/CHN/china/gdp-gross-domestic-product>.
- Muddasir Quamar (2021), "India-GCC Relations: Looking Beyond the Pandemic," **IDSA Issue Brief**, January 15. At: <https://idsa.in/issuebrief/india-gcc-relations-muddasir-150121>.
- Mearsheimer, J. J. (2001). **The tragedy of great power politics**. Norton & Company.
- Miller, S (2015), **The next great war? the roots of World War I and the risk of U.S.-China conflict**, Cambridge press.
- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China (2020) "China-Arab States Cooperation Forum Holds Ninth Ministerial Conference", **Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China** July 6.
- Nye, J. S. (2020). **Do Morals Matter? Presidents and Foreign Policy from FDR to Trump**, New York: Oxford Press.
- Pant, H. V., & Milford, T. (2021), "The UK Shifts to the Indo-Pacific: An Opportunity for India-UK Ties". **Observer Research Foundation**. At: www.orfonline.org
- Pillar, Paul, Andrew B (2020), "A New U.S. Paradigm for the Middle East: Ending America's Misguided Policy of Domination." **The Quincy Institute**. Paper No. 2. July 17. At: <https://quincyinst.org/2020/07/17/ending-americas-misguided-policy-of-middle-east-domination/>
- Rajagopalan, Pillai (2018), "India and the Maldives: Back on track?" **Observer Research Foundation**, November 30. At: <https://www.orfonline.org/research/india-and-the-maldives-back-on-track-45884/>
- Roy, M.S. (2020). "India's Chabahar Dilemma". **Institute for Defence Studies and Analyses**, New Delhi. At: <https://idsa.in/idsacomments/india-chabahar-dilemma-mroy-310720>.
- Saleh, Alam and Zakiyeh Yazdanshenas (2020). "Iran's Pact with China Is Bad News for the West," **Foreign Policy**, 9 August. At: <https://foreignpolicy.com/>
- Sanger, D. E. (2019). 'Iran breaks with more limits in nuclear deal as it pushes for European aid', **New York Times**, September 7. At: <https://www.nytimes.com/2019/09/07/us/politics/iran-nuclear-deal.html>.
- Sandeep S. & Bawa Singh (2019). "Geopolitics of ports: Factoring Iran in India's counterbalancing strategy for "Sino-Pak Axis", **Journal of Eurasian Studies** 2019, Vol. 10(2) 169-182.
- Scobell, A. (2018). "China's Search for Security in the Middle East", in **The Red Star & the Crescent: China and the Middle East**, edited by James Reardon-Anderson, London: Hurst & Company 2018, Retrieved from <https://www.diis.dk/publikationer/can-china-buy-peace>.
- Shafiee, M (2019) "The United States, Australia, Japan and India have revived the 'Quad' Strategic Group," **Islamic Republic News Agency**, 5 October. At: <https://www.irna.ir/>
- Simon, S(2021) "China and the Persian Gulf in the Aftermath of a U.S. Withdrawal", **Quincy Institute**. At: <https://quincyinst.org/report/china-and-the-persian-gulf-in-the-aftermath-of-a-u-s-withdrawal>.
- Statista (2021), "Estimated expenditure on the military in China in current prices from 1990 to 2021". Available at:

- <https://www.statista.com/statistics/267035/china-military-spending//>
- The White House, Government of USA (2017), "National Security Strategy of the United States of America 2017," December. At: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>.
 - The White House, Government of USA (2017), "National Security Strategy of the United States of America 2017," December. At: [https:// www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final- 12-18-2017-0905.pdf](https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf).
 - The White House (2022), "Indo-Pacific Strategy of The United States", **Washington DC: Executive Office of The President National Security Council**. At: [ww.whitehouse.gov/](http://www.whitehouse.gov/)
 - U.S. Department of Defense (2019), " Indo-Pacific Strategy Report", **US Department of Defense**, June 1. At: U.S. <https://media.defense.gov/2019/jul/01/2002152311/-1/-1/1/department-of-defense-indo-pacific-strategy-report-2019.pdf>.
 - US Senate (2020). " Testimony by Dr. Nasser Hadian Before the Senate Foreign Relations Committee Hearing: Iran", **Congressional Hearing**, 28 October. At: <https://www.iranwatch.org/>
 - Vangeli, A. (2018). "Global China and symbolic power: the case of 16+1 cooperation". **Journal of Contemporary China** 27(113), 674–687.
 - Witte, Carice and Aluf, Dale (2021). "Drawing the Curtain on China–Israel Cooperation?" **East Asia Forum**, January 26. At: <https://www.eastasiaforum.org/2021/01/26/drawing-the-curtain-on-china-israel-cooperation>
 - Reuters, "Israel, U.S. Near Deal to Exclude China from Israeli 5G Networks: U.S. Official," August 14. At: <https://www.reuters.com/article/us-israel-usa-5g-china-idUSKCN25A2CF>.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی